

تهیه و تنظیم:
مهندس اکبر شیرزاده

ایران در عصر صفویه: تجدید حیات صنعت نساجی

چهار قطعه آن‌ها زربفت و دو قطعه دیگر از مخمل و بقیه از حریرهای شکل دار و گل و بوته دار است ولی پارچه‌های دیگری نیز هست که با آنکه امضا یا نام آن را درج نکرده‌اند ولی تصور می‌شود حاصل کار اوست.

تصویر شماره ۲ - قطعه پارچه اطلس
به امضای غیاث‌الدین

در تصویر شماره ۲، قطعه پارچه اطلس به امضای غیاث‌الدین یزدی متعلق به آخر قرن دهم یا اول قرن یازدهم مشاهده می‌شود. در این دوره دو ابتکار فنی به وجود آمد که مایه پیشرفت هنر نساجی شد. یکی پارچه چند تایی و دیگر مخمل. پارچه چند تایی پارچه‌ای است که در آن دو یا چند پارچه ساده چنان

نمایند. آشنایی با خانواده غیاث‌الدین یزدی: از نساجان و پارچه‌بافان قرن دهم هجری (شانزده میلادی) ایران بعضی‌ها را می‌شناسیم و آثاری که دارند که نامشان را برای ما به یادگار گذاشته‌اند. این اشخاص عبارتند از غیاث‌الدین، عبدالله، حسین، یحیی و معزالدین بن غیاث و آبان محمد که نام همگی آن‌ها بر مجموعه‌ای از پارچه‌های موجود در بعضی از موزه‌های شخصی اروپا و امریکا نقش بسته است.

غیاث‌الدین، اهل خطاطی، نقاشی، شاعری و زرکشی بود که بر کلیه آن‌ها احاطه داشت و به درجه فوق استادی رسیده بود. وی با ابتکارات مخصوص به خود در صدر بانندگان ترمه و زربفت و حریر بافی قرار گرفته بود و با کمک و مشورت رضا عباسی، علیرضا عباسی و شاگردان آن‌ها در طراحی پارچه‌های جدید اعجاز می‌کرد. غیاث‌الدین به دلیل شخصیت ممتاز و با بهره‌گیری از ثروت و دارایی فراوان موفق شد جز درباریان شاه عباس قرار گیرد و از آن زمان در بافتن منسوجات برجسته و مصور و فانتزی آن زمان شهرتی به سزا تحصیل نماید و به حدی ارتقا حاصل نمود که پارچه‌های بافت وی مورد توجه شاه عباس قرار گرفت و شاه از آن‌ها برای به‌عنوان هدیه به سایر پادشاهان و امرا استفاده می‌کرد. گرچه ممکن است آثار بی‌نظیر این شخص فراوان باشد اما امروزه بیش از هشت قطعه آن در موزه‌های جهان به چشم نمی‌خورد.



تصویر شماره ۱ - مجلس پذیرایی شاه عباس اول

دوره شاه عباس اول: تصویر شماره یک، مجلس پذیرایی شاه عباس از ولی محمدخان ازبک را در عمارت چهل ستون اصفهان نشان می‌دهد.

شاه عباس شیفته صنایع نساجی بود و برای احیای این صنعت بسیار کوشش می‌کرد. به‌طوری که وقتی خبر آوردند هندیان دست به رقابت با پارچه‌های ایرانی زده‌اند و ترمه‌هایی با استفاده از پشم بزهای آنقوره که در کوه‌های هیمالیا زندگی می‌کردند و پارچه‌های نرم‌تر از ترمه ایران به دنیا عرضه کرده‌اند و ترمه کشمیری را جایگزین ترمه ایرانی نموده‌اند به سرعت برای احیای صنعت نساجی ایران دست به کار شد و با کلیه امکانات به ترمیم جاده ابریشم و استفاده از سرمایه خود و ایجاد ۲۸۰۰۰ هزار کارخانه نساجی جدید در اصفهان، کاشان، یزد و شوشتر پرداخت. وی سپس غیاث‌الدین یزدی، علیرضا عباسی و شاگردان آنان را احضار کرد تا طرح‌های جدید و نفیس را با کمک رنگرزان توانمند جایگزین طرح‌های قدیم

درهم بافته شده که گویی هریک مستقل است اما به نحوی با هم ترکیب شده‌اند که طرح گل و بوته را برجسته و روشن جلوه می‌دهند. این نوع پارچه‌بافی برای ساختن دشوارترین تصاویر به کار می‌رفت و بزرگترین استاد این هنر، غیاث‌الدین یزدی بود.



تصویر شماره ۳- یک قطعه پارچه ترمه

در تصویر شماره ۳، یک قطعه پارچه ترمه متعلق به غیاث‌الدین دیده می‌شود. این استاد با آمیختن سه پارچه به رنگ‌های سبز و سرخ و سفید قاب‌هایی ایجاد کرده که نه تنها گل‌های ظریف و پرندگان و جانوران طبیعی بلکه حتی نقش یک جوان درباری در حال استراحت را در بر دارد. عجیب نیست اگر غیاث‌الدین مردی ثروتمند و از مقرران دربار بوده باشد زیرا هنر وی حتی در پایتخت کشورهای دور مانند هندوستان، مملکت عثمانی و مغرب زمین نیز خریدار داشت.

شاه عباس در سال‌های اول پادشاهی نذر شرعی کرده بود که یک‌بار از اصفهان برای زیارت آرامگاه امام هشتم پیاده به مشهد رود. در آغاز سال ۱۰۱۰ هجری قمری مصمم شد که به نذر خویش وفا کند و در روز پنجشنبه پانزدهم ماه جمادی‌الاول آن سال با این نیت از کاخ سلطنتی نقش جهان به راه افتاد.

روز اول از شهر تا مسجد طوقچی (که بیرون دروازه شهر بود) رفت و در روز دیگر از آنجا به دولت آباد (سه فرسنگی اصفهان) منتقل شد. همراهانش در این

سفر آزاد بودند که به دلخواه خویش پیاده و یا سواره حرکت کنند. ولی جمعی از ملا زمان و ندیمان شاه به نوبت با وی موافقت می‌کردند و چون از پیاده‌روی فرسوده می‌شدند بر اسب می‌نشستند. از همراهان شاه تنها سه نفر تمام راه را پیاده آمدند. محمد زمان سلطان بایندری، مهمتر سلمان دنبلی رکابدار باشی و میرزا هدایت‌اله اصفهانی. این سه مرد در تمام راه مسافت هر منزلی را با طنابی که پنجاه ذرع اصفهان و هشتاد ذرع شرعی بود، اندازه می‌گرفتند و هر فرسنگ شرعی را هزار و دویست ذرع حساب می‌کردند. شاه عباس هر روز حدود شش فرسنگ راه می‌رفت و هر جا که خسته می‌شد ساعتی توقف کرده و یا می‌خوابید. اردوی سلطنتی نیز با لوازم سفر، قسمتی در پیش و قسمتی از دنبال وی می‌رفت. سرانجام فاصله اصفهان تا مشهد را از راه طیس گیلکی و ترشیز که به حساب ملا جلال، یکصد و نود و نه فرسنگ و هشتاد و یک طناب و بیست و پنج ذرع شرعی بود در مدت بیست و هشت روز طی کرد و در روز چهارم جمادی‌الثانی آن سال به مشهد رسید.



تصویر شماره ۴- تصویری از شاه عباس

پیاده سفر کردن شاه عباس که نماینده کمال اعتقاد و ارادت او به امام رضاست بر توجه و علاقه شیعیان به زیارت مشهد افزود و همین توجه مایه آبادانی آن شهر و افزایش نفوذ دینی و قدرت سیاسی دربار اصفهان در سرزمین خراسان شد.

شاه عباس، زمستان سال ۱۰۱۰ هجری را در مشهد ماند و ماه‌های رجب، شعبان و رمضان را در آنجا به طاعت و عبادت گذرانید. روزها به آستان رضوی می‌رفت و مانند خدام به خدمت مشغول می‌شد و گاه به جارو کشی می‌پرداخت.

در تصویر شماره ۴، شاه عباس اول مشاهده می‌شود که این تصویر حاصل کار یکی از نقاشان اروپایی زمان وی می‌باشد.

شاه عباس و مسیحیت: شاه عباس برخلاف جد خود شاه طهماسب که به جز شیعیان، پیروان همه مذاهب و ادیان دیگر را نجس و کافر و منفور می‌شمرد با پیروان ادیان دیگر مخصوصاً عیسویان بسیار مهربان بود. مهربانی شاه عباس با عیسویان، گذشته از روشندلی و آزاد فکری وی، علتی سیاسی داشت. وی می‌خواست از قدرت دولت‌های بزرگ مسیحی اروپا بر ضد دشمن دیرین خاندان صفوی و رقیب بزرگ سیاسی ایران در آسیا، امپراطوری زورمند عثمانی استفاده کند و از طریق دوستی و مبادله سفیران و توسعه مبادلات تجارتی و انعقاد معاهدات سیاسی، پادشاهان و دولت‌های متعصب اروپا، مانند پادشاه اسپانیا، امپراطور آلمان، پاپ روم، و پادشاهان لهستان و فرانسه را به دشمنی و جنگ با سلطان عثمانی برانگیزاند.

وی به کشیشان عیسوی هر فرقه اجازه داد که در اصفهان و سایر شهرها مسیحی نشین ایران کلیساهای متعددی بسازند و آزادانه به کار موعظه و تبلیغ و انجام دادن مراسم دینی خود مشغول شوند در همان حال بزرگان و سران ایشان را به مجالس خصوصی خود دعوت می‌کرد و با آنان به مباحثات دینی و اخلاقی مشغول می‌شد.



تصویر شماره ۵- نمای داخلی کلیسای ارامنه (وانک)



غیاث‌الدین اولین کسی بود که توانست طراحی پارچه را از حالت موروثی تغییر داد و به صورت علمی و عملی کاری کند تا از نابودی طرح‌ها و نقشه‌های بافت جلوگیری نماید. وی هر طرح یا نقشه بافت پارچه را به صورت جداگانه بر روی تخته‌های مخصوص از پود اول تا پود آخر با شماره‌های مربوطه نقل می‌کرد و چون شاعر بود بعضی از آن‌ها را به صورت شعر درآورد

نمونه طراحی با سه پارچه دیگر که نقش گل و بوته دارد همه از خیمه‌ای متعلق به یک خانواده لهستانی به دست آمده است.

رفتار شاه عباس با کشیشان و مبلغان مذهبی:
شاه عباس گاه در اعیاد مذهبی مسیحیان شرکت می‌جست و ساعت‌ها در کلیسا به تماشای مراسم و تشریفات دینی و شنیدن موعظه کشیشان و آوازاها و نغمه‌های مذهبی می‌نشست. مهربانی او به کشیشان و مبلغان عیسوی بدانجا رسید که جمعی از کوته نظران آن قوم او را مشتاق قبول دین عیسی پنداشتند. آنتونیو دوگواه که نخست در سال ۱۰۱۱ هجری با هیئتی از روحانیون عیسوی به فرمان فیلیپ سوم پادشاه اسپانی به ایران آمده و چندی در خدمت شاه عباس به سر برده و بعد از آن نیز دوباره به این کشور سفر کرده است در طرز رفتار آن پادشاه با خود و همراهانش چنین نوشته است: «شاه می‌خواست که ما پهلوی او حرکت کنیم گاه نیز دست در گردن ما می‌افکند گویا می‌خواست با این کار به سرداران و همراهان خود نشان دهد که به ما محبت و علاقه بسیار دارد تا ایشان به ما بیشتر احترام و محبت کنند ولی ما می‌ترسیدیم که مبادا رفتار محبت آمیز او بیشتر مایه حسادت و بدبینی نزدیکان وی گردد...»

شاه عباس آنان را نزدیک خود جای داد و گفت که می‌توانند به میل خود در شهر خانه‌ای انتخاب کنند. در همان حال برای مخارج ایشان مقرری سالانه‌ای معین کرد. پس از آن نیز مکرر آنان را به مجالس خود دعوت می‌نمود. پس از آن یک روز آنتونیو دوگواه را با خود به اتاقی دیگر برد تا تصویری از حضرت عیسی را که یکی از نقاشان نامی ایران از روی تابلویی که از ونیز آورده بودند کشیده بود به او نشان دهد.

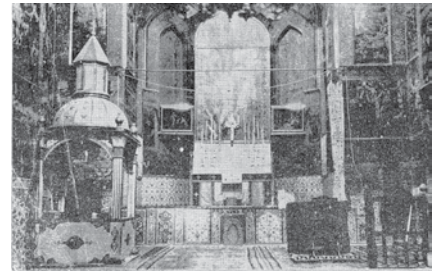


تصویر شماره ۷- ارامنه اصفهان در زمان شاه عباس اول

و کودکان را از سن سیزده سالگی بر این کار بگمارد؛ چون حافظه این کودکان آماده پذیرش و حفظ کردن است. وی به کودکان تعلیم فنی می‌داد که به ازای هر پود پارچه شعری بخوانند و حرکت تارها را گوشزد کنند تا بافندگان مستقر در بالای ماشین بافندگی، نخ تار خود را حرکت دهند و این کار تا سال‌های زیادی بعد از مرگش ادامه داشت. به این ترتیب هیچ طرحی فراموش نشد، هیچ‌گونه اشتباهی از نظر طراحی در پارچه‌های مخمل‌های گل‌دار و ترمه‌های نفیس شکل‌دار و زربفت‌های نقش‌دار ایجاد نشد و تا زمانی که کارگاه‌های مذکور به فعالیت می‌پرداختند، این نوع طرح‌ها و اشعار و تخته دستوری مورد استفاده قرار می‌گرفت تا اینکه در زمان قاجاریه همگی آن‌ها نابود شد. این کودکان را شعر بافت یا شعر خوان پارچه می‌نامیدند.

مهم‌ترین مخمل‌های این دوره که در طرح آن‌ها تصویر انسان بکه ارفته و به همین شیوه است نیز ظاهراً از آثار همین استاد زبردست می‌باشد. هرچند تنها یک قطعه است که امضای او را دارد؛ این سه

تصویر شماره ۵، نمای داخلی کلیسای ارامنه (وانک) در جلفای اصفهان با برج‌های ناقوس‌دار را نشان می‌دهد. این کلیسا که از نوادر کلیساهای جهان می‌باشد با مساعدت شاه عباس بنا شد. دیوارهای آن با نقاشی‌هایی به سبک قدیمی اروپایی و کاشی‌کاری پوشانده شده است. ملکه انگلیس طی دیدار این کلیسا از نمونه‌های نقاشی این کلیسا بسیار تمجید کرده و آن را مشابه کلیسای نوتردام دانست. طاق‌ها و نیم طاق‌ها به سبک قصرهای عباسی با شاخ و برگ طلائی بر زمینه آبی ساخته شده است.



تصویر شماره ۶- نمای از کلیسای ارامنه در جلفای اصفهان

تصویر شماره ۶، نمای از کلیسای ارامنه در جلفای اصفهان است که ظاهر بسیار زیبا و دیدنی دارد و همه روزه عده زیادی از سایر کشورها برای دیدار آن به اصفهان می‌آیند.

برای روشن شدن صمیمیت مسیحیان در اصفهان مشاهده تصویر شماره ۷ جالب توجه است. این تصاویر همگی از جمعیت ارامنه مقیم اصفهان حکایت دارد که آزادانه به امور مذهبی و اجتماعی خود می‌پردازند. لباس‌های آن‌ها همگی از پشم دستبافت ایران است که ارامنه در خانه‌های خود و یا در کارگاه‌های داخلی مبادرت به تولید آن‌ها می‌کردند. این لباس‌ها به طرز بسیار زیبایی دوخته شده و کاملاً پوشیده و مرتب است.

غیاث‌الدین اولین کسی بود که توانست طراحی پارچه را از حالت موروثی تغییر داد و به صورت علمی و عملی کاری کند تا از نابودی طرح‌ها و نقشه‌های بافت جلوگیری نماید. وی هر طرح یا نقشه بافت پارچه را به صورت جداگانه بر روی تخته‌های مخصوص از پود اول تا پود آخر با شماره‌های مربوطه نقل می‌کرد و چون شاعر بود بعضی از آن‌ها را به صورت شعر درآورد



تصویر شماره ۸ - تصویری از لحظه مرگ حضرت عیسی (ع)

تصویر شماره ۸، تصویری از لحظه مرگ حضرت عیسی (ع) را نشان می‌دهد که این نقاشی منسوب به رضا عباسی است. شاه عباس با دولتیان سخت‌گیر و با ملت مهربان بود. وی با آن که به مقتضای حکومت فردی و استبدادی خویش در کار فرمانروایی و سیاست و اداره کشور، بسیار سخت‌گیر، بی‌رحم، سنگدل و گاه جبار و ستمکار بود به دادگری و رعایت انصاف و عدل و حفظ حقوق رعایا نیز توجه و علاقه بسیار داشت. اگر با سرداران قزلباش و سران دولت و حکام و مدیران امور مملکت به درشتی و سختی و قساوت رفتار می‌کرد، نسبت به طبقات عامه و رعایا و آنچه امروز ملت نام گرفته است، جز در برخی موارد خاص، مهربان و ملایم بود و نیکخواه و عادل می‌نمود. به ارباب قدرت و توانگران و حکام همیشه به چشم بدبینی و مراقبت می‌نگریست تا به زیردستان و ناتوانان ستمکاری نکنند ولی پیوسته در تامین رفاه و آسایش رعیت می‌کوشید یکی از معاصرانش می‌نویسد «شاه عباس، مردم ناتوان و فقیر را فرزندان خود می‌شمرد و آنان او را پدر می‌دانند. ولی مردم زورمند و توانگر را پدر می‌خواند تا از ایشان پول‌های گزاف بگیرد و چون مردند مانند پسری ادعای میراث کند و از این راه

پیوسته از اموال بی‌حساب ثروتمندان قوم چیزی عاید خزانه دولت گردد.»

شاه عباس و پیشکش‌های و هدایا: از جمله منابع سرشاری که پیوسته بر ذخایر نقدی خزانه سلطنتی می‌افزود، هدیه‌ها و پیشکش‌هایی بود که از جانب پادشاهان و فرمانروایان کشورهای بیگانه، یا از طرف حکام ولایات و سرداران و بزرگان و ماموران دولتی ایران برای پادشاه صفوی فرستاده می‌شد. پادشاهان و سران دولت‌های بیگانه همیشه با سفیران خویش هدیه‌هایی گران‌بها از محصولات خاص کشور خود همراه می‌کردند و پادشاه ایران نیز در عوض، تحفه‌های قیمتی از ایران نزد ایشان می‌فرستاد. شاه غالباً در میدان بزرگ شهر پیشکش‌ها و هدایایی که از جانب پادشاهان یا حکام و سرداران بزرگ می‌رسید، از نظر می‌گذرانید و این کار تشریفات و آداب خاص خود را داشت از آن جمله هر قطعه از اشیا پیشکش‌ی را یک نفر بر دست می‌نهاد و از برابر شاه می‌گذرانید. برندگان هدایا بیشتر از میان ملازمان شاهی یا مردم عادی شهر انتخاب می‌شدند. هر یک از ایشان یکی از آن‌ها را به دست می‌گرفت به طوری که گاه عده عرضه‌کنندگان هدایا به پانصد تا ششصد نفر می‌رسید!



تصویر شماره ۹ - مجلس پذیرایی شاه عباس اول

در تصویر شماره ۹، مجلس پذیرایی شاه عباس اول

از خان عالم سفیر پادشاه هند مشاهده می‌شود که حاصل کار بشنداس از نقاشان هندی زمان اوست.

پس از اندک زمانی، شاه عباس با سفیر هندوستان به میدان آمد و به دنبالشان گروهی از بزرگان دربار با لباس‌های ابریشمی و زربفت و عمامه‌هایی که به سنگ‌های گران‌بها آراسته بود و معمولاً در اینگونه تشریفات بر سر می‌نهادند، حرکت می‌کردند. ولی شاه چنانکه عادت اوست لباسی بسیار ساده و بی‌زبور پوشیده بود. شاه و سفیر هند سوار بر اسب به میان میدان رفتند و برابر در خانه علی پادشاه (گردشگاه معمولی شاه) از اسب به زیر آمدند. دیگران نیز پیاده داخل میدان شدند و هر یک به نسبت مقام و منصب خویش در کناری ایستادند. همین که شاه به میدان آمد و از اسب پیاده شد، میهماندار بی‌درنگ به سوی سفیران رفت و آنان را نزد شاه برد. سفیر بزرگ نام‌های که از تزار روسیه آورده بود تقدیم کرد. شاه عباس چنانکه عادت اوست ایشان را به مهربانی پذیرفت سپس با سفیران هند و روسیه به خانه علی پاشا داخل شد و همگی در ایوان آن خانه که مشرف بر میدان است، قرار گرفتند و باقی روز و تقریباً تمام شب بعد را در آنجا به باده‌گساری گذراندند؛ در حالی که سایر همراهان شاه و سفیران و رجال دولت در میدان می‌گشتند

پس از آنکه شاه و سفیران به ایوان خانه آمدند، نمایش هدایا آغاز شد. آن‌ها را نخست از برابر شاه می‌گذرانیدند سپس دور میدان می‌گردانیدند و بیرون می‌بردند. هدایای سفیر هند مرکب از بیست و نه شتر حامل بارهای بزرگی که پر از پارچه‌های ظریف کار هندوستان بود. پس از آن هودج بزرگی آوردند که با چوب‌های زرین بسیار زیبا ساخته شده بود، سپس مقداری زیاد شمشیرهای مرصع و سلاح‌های دیگر که همگی به سنگ‌های قیمتی آراسته شده بود و پس از آن بیش از دویست طبق پر از عمامه‌هایی که معمولاً بزرگان ایران بر سر می‌گذارند، تقدیم شد. یکی دیگر از هدایا دندان جانوری بود که دو نفر به دست گرفته و آن را حمل می‌کردند. پس از آن هدایای دیگری گذرانیدند از آن جمله پنج ارابه هندی که هر یک دو چرخ بیشتر نداشت.